

وضعیت کشاورزی شور طی سالهای ۱۳۵۳-۶۵

○ = مقدمه
XXXXXXXXXXXXXXXXXX

« در دنیای امروز ، کشاورزی یکی از مهمترین عوامل — زیربنای اقتصادی و استقلال هر کشور محسوب می گردد چراکه علاوه بر تامین قسمتی از آذوقه مردم و تهیه مواد اولیه برای صنایع ، اشتغال گروه کثیری از جمعیت را نیز در روستاها فراهم می نماید و یا اینکه در بعضی از کشورها ، تامین منابع مالی و تهیه ارز جهت رشد اقتصادی عمده " از طریق صدور محصولات کشاورزی صورت می پذیرد و در نتیجه با درآمد حاصل از این بخش و همچنین با افزایش درآمد ملی از این طریق به توسعه فعالیت های دیگر می پردازند و بدین ترتیب جایگاه مطمئنی را در اقتصاد کشورشان باز می کنند . »

اما در شرایطی که غارتگران و چپا و لگران بین المللی از محصولات کشاورزی در جهت به سلطه کشاندن جوامع استفاده می کنند و با در دست گرفتن تجارت این محصولات علاوه بر کسب سودهای کلان ، استقلال سیاسی کشورها را نیز به مخاطره می اندازند ، اهمیت کشاورزی دوچندان می شود و لذا جا دارد که خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی — در جهت دستیابی به رشد تولیدی مطلوب به موازات مصرف ، و همراه با گسترش رفاه و عدالت اجتماعی در جوامع ، بخصوص

جامعه روستایی - مورد توجه قرار گیرد چراکه با توجه به سیاستهای حاکم بر جهان ، ممکن است تأمین مواد غذایی در آینده ، حتی در صورت وجود پول و ارز کافی هم ، به سهولت امکان پذیر نباشد . بنابراین لازم است از حالا سخت به فکر آینده کشور باشیم و بکوشیم که در دنیای آتی ، دست نیاز بسوی کشورهای بیگانه دراز نکنیم . متأسفانه در بیست سال گذشته کشاورزی ایران به لحاظ سیاستهای غلط توسعه اقتصادی رژیم گذشته ، و مشخص نبودن سیاستها در ادوار بعد و همچنین بروز مشکلات تحمیلی از ناحیه استکبار جهانی در شرایط فعلی ، لطمات فراوانی دیده است . بطوری که اعمال سیاستهای نابجا و توسعه اقتصادی ناموزون در آن سالها ، تولیدات کشاورزی را دچار نابسامانی گردانیده است به همین دلیل در طول سالهای ۱۳۴۰ - ۶۰ قسمت مهمی از احتیاجات کشور به مواد غذایی از خارج تأمین می شد که این امر موجب وابستگی هر چه بیشتر کشور به خارج گردید .

به هر حال می باید به همان اندازه که به بیان توفیقهایی بدست آمده در بخش کشاورزی پرداخته می شود ، به همان نسبت نیز به مشکلات ، تنگناها و کمبودهای این بخش (از ابعاد مختلف) پرداخته شود تا با شناخت این موفقیتها و تنگناها ، هدفها ، خط مشیها و سیاستها و در نتیجه اولویتها مشخص گردد تا زمینه راجهت متحول کردن بخش کشاورزی (از طریق آماده سازی زیربناها ، تعمیر و تجهیز نیروی انسانی و ساخت و سازمان و تشکیلات کارآمد و ...) فراهم سازد . یعنی در هر منطقه توانائیهای تولیدی بکار افتد و با بهسازی و آماده سازی محیط (جهت مناسبترین

بهره‌بردارها)، این امکان بوجود آید تا مهاجرت‌های بی‌برنامه و خودبخودی جامعه روستایی تحت‌نظم اقتصادی و اجتماعی درآیند و در نهایت کشور بتواند علی‌رغم فزونی جمعیت و تقاضای فزاینده ناشی از این امر، به مرحله خودکفایی و تامین حداقل نیازمندی‌های خود نایل آید انشاء... .

به‌رحال جهت روشن شدن وضعیت بخش کشاورزی، ابتدا به دیدگاه‌های قانون اساسی و سیاست‌های حاکم در این مورد اشاره خواهد شد و سپس به نوع مالکیت و اراضی قابل بهره‌برداری و فعالیت‌های انجام شده و همچنین نتیجه‌گیری در این بخش اکتفا می‌گردد.

۱- کشاورزی از دیدگاه قانون اساسی :

XX

از یکسو نظر به اهمیت بخش کشاورزی، در مجموعه حیات اقتصادی و اجتماعی و بازاری و توسعه کشور، و وابستگی معیشتی تقریباً "نیمی از جمعیت میهن اسلامی به این بخش از فعالیت‌های اقتصادی از سوی دیگر استفاده امپریالیسم جهانی از مواد غذایی بعنوان قاطع‌ترین سلاح و برنده‌ترین حربه در جهت تحت‌سلطه‌نگداشتن کشورهای جهان سوم دارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی بخصوص اصل دوم (بند ج)، اصل سوم (بندهای ۹، ۱۲، ۱۳ و ۱۴)، اصول سی و یکم و چهل و سوم (بندهای ۱۱ و ۱۲) و اصول چهل و چهارم و چهل و پنجم، ضمن تاکید بر اهمیت بخش کشاورزی در چارچوب اقتصادی کشور و در راستای نیل به خودکفایی، دولت را موظف نموده است که با توجه به ماهیت تکالیف و مسئولیت‌های

خود در قبال این بخش ، تمامی کوشش خویش را در جهت برنامه ریزی ، اجرا ، حمایت ، هدایت و ارشاد - در راستای توسعه فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی کشور - بکاربندد . تا از این طریق این بساور از شعار به عمل تبدیل گردد که قطع وابستگی سیاسی جز از طریق پی ریزی نظام اقتصادی صحیح و عادلانه و تامین استقلال اقتصادی میسر نیست .

از این رو مشاهده می شود که قانون اساسی بیشترین بهسا را در این راستا به گسترش منابع غذایی و حصول به خودکفایی داده و بر طرف ساختن هر نوع فقر و محرومیت در زمینه تغذیه - را از وظایف اساسی دولت قلمداد نموده است . قانون مذکور تامین نیازهای عمومی (از طریق افزایش تولیدات کشاورزی و دامی) را در کنار تولیدات صنعتی بعنوان راه حل رسیدن به خودکفایی ورهایی از وابستگی صراحتاً " اعلام داشته است .

بطور کلی می توان گفت که از نظر قانون اساسی ، کشاورزی یک فعالیت کاملاً دولتی تلقی نمی شود و لذا نقش دولت در این بخش جز در مواردی که در محدوده انفال قرار می گیرد جنبه ارشادی ، حمایتی و نظارتی دارد . ضمن اینکه دولت موظف است تا جهت رفع تبعیضات و بی عدالتیها در کل جامعه - بخصوص بر جامعه روستایی و عشایری که سهم عمده ای در تولید مواد غذایی دارند - توجه خاصی مبذول دارد و نیازهای اساسی آنها را تأمین بنماید .

۲- سیاستهای دولت در زمینه کشاورزی :
XX

کشاورزی ایران تا قبل از دهه چهل - علی رغم حاکمیت شیوه ارباب و رعیتی - نه تنها تقاضای غذایی و صنایع نساجی و سایر صنایع کشاورزی را تأمین نمی نمود بلکه بخش عمده ای از تولیدات کشاورزی به خارج نیز صادر می گردید. لکن از این دهه به بعد با اعمال سیاستهای توسعه اقتصادی ناموزون ، آن چنان وضع کشاورزی ایران دچار نابسامانی شد که در دهه های (۴۰ و ۵۰) بخش قابل توجهی از احتیاجات کشور به مواد غذایی از خارج تأمین گردید و این امر موجب وابستگی هرچه بیشتر کشور به خارج (جهت ورود محصولات کشاورزی) شد و سهم تولیدات کشاورزی، در تولید ملی که قبل از دهه ۴۰ ، بیش از ۴۰ درصد بود در سال ۱۳۵۴ به ۱۰ درصد کاهش یافت. از جمله این سیاستها میتوان از انتخاب استراتژی " راهبرد " (صنعتی شدن شتابان) آن هم در شهرهای بزرگ و در چهارچوب الگوی رشد نام برد. لذا در راستای همین استراتژی ، اصلاحات ارضی در اغلب کشورهای جهان سوم (از جمله ایران) به مورد اجرا گذاشته شد. ضمناً " درچارچوب همان استراتژی (راهبرد) پنج برنامه عمرانی در کشور به مورد اجرا گذاشته شد که در اثر اجرای آنها بعنوان مثال ، سهم بخش کشاورزی از سرمایه گذاری دولت از ۲۵/۵ درصد در برنامه عمرانی سوم به ۶/۶ درصد در برنامه عمرانی پنجم کاهش یافت. و اعتبارات این بخش از کل اعتبارات پیش بینی شده از ۲۸ درصد در برنامه اول عمرانی به ۷/۵ درصد در برنامه پنجم عمرانی رسید. که در نهایت سهم آن

در اقتصاد ملی (از تولید ناخالص داخلی) از ۲۴/۳ درصد در سال ۱۳۳۸ به ۸/۷ درصد در سال ۱۳۵۶ بالغ گردید .

۲-۲- پس از پیروزی انقلاب اسلامی :

.....

با پیروزی انقلاب و استقرار حکومت جمهوری اسلامی که ایجاد دگرگونیهای عمیق فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در جامعه ایجاد می‌کرد و همچنین با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در مجموعه حیات اقتصادی و اجتماعی کشور، از یکسو اولویت باسازی آن (با توجه به وابستگی معیشتی تقریباً " نیمی از جمعیت کشور به این بخش) و از سوی دیگر تا مین استقلال اقتصادی کشور در حیات‌ترین زمینه (مواد غذایی) باعث گردید تا این بخش در رأس برنامه‌های نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد که در این میان حل بنیادی مسئله اراضی یکی از مشکلات عمده در بخش کشاورزی تلقی می‌گردید، در این مورد در زمان دولت موقت قانونی تحت عنوان " قانون نحوه واگذاری واحیا اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران " به تصویب شورای انقلاب رسید. اما از آنجا که این قانون در جهت دگرگونی روابط گذشته نبود و مشکل را نیز به صورت بنیادی حل نمی‌کرد و حتی تا حدودی در برخی از جنبه‌ها تثبیت وضع گذشته را هم بدنبال داشت بناچار در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲۶ لایحه قانونی واگذاری واحیا اراضی، مجدداً " در شورای انقلاب به تصویب رسید. (۱)

(۱): الف - انتشارات آگاه، مسائل ارضی و دهقان (تهران: انتشارات

آگاه، ۱۳۶۱، ص ۳۳۷.

ب - ستاد مرکزی و هیئتها ی هفت نفره واگذاری زمین، نگرشی

بر مسئله زمین و فعالیتها ی هیئتها ی هفت نفره واگذاری

زمین (تهران: ستاد مرکزی و هیئتها ی هفت نفره، ۱۳۶۶)، ص ۱۰.

اما به علل مختلف از جمله وجود اختلاف نظر بین مسئولان (در مورد بعضی از مواد این لایحه) از یکسو و جوسازیهای مالکین از سوی دیگر، اجرای بندهای "ج" و "د" این لایحه متوقف ماند و تصویب آن و یا تعیین تکلیف مالکیت در بخش کشا ورزی موکول به تصویب قانونی توسط مجلس شورای اسلامی گردید. لایحه احیاء و واگذاری زمین با اینکه در دیماه ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید لکن شورای نگهبان با اشکالاتی که نسبت به لایحه مذکور داشت آن را مجدداً "به مجلس عودت داد و تا سال ۱۳۶۵، این لایحه قوت قانونی نیافت تا اینکه در سال ۱۳۶۵، با توجه به اختیارات مقام رهبری و با استفاده از احکام ثانویه، ماده واحدهای در مجلسی بتصویب رسید که در آن تکلیف زمینهای بایر و دایسری که پس از انقلاب به صورت کشت موقت در اختیار کشاورزان قرار گرفته بود، معین گردید.

دومین مسئله‌ای که در ارتباط با سیاستهای جمهوری اسلامی ایران در مورد کشا ورزی قابل ذکر است تدوین برنامه اول کشور می باشد. در این برنامه به منظور تحقق آرمانهای جمهوری اسلامی و با تکیه بر قانون اساسی، کشا ورزی محور توسعه تلقی شده است و اهداف این بخش در راستای توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور (مانند بسیج کلیه امکانات ملی و همه بخشهای اقتصادی به منظور نیل به خودکفایی در تولید کالاهای اساسی کشاورزی، تقویت توان اقتصادی روستاها به منظور کنترل مهاجرتها، ارائه خدمات دولتی به روستاها در جهت تامین نیازمندیهای اساسی جامعه روستایی و احیای روستا بعنوان منبع و جایگاه اصلی تولید) اعلام شده است

که درجهت نیل به این اهداف ، تکیه بر تحقیقات ، آموزش و ترویج (تات) را جهت حداکثر استفاده معقول و منطقی از امکانات بالقوه و بالفعل کشور درجهت نیل به جزء اهداف آورده شده خودکفایی مورد توجه قرار گرفته است .

این برنامه نیز به علی از جمله اختلاف نظر حاکم بر مسئولان از یک سو و عدم اعتقاد برخی از آنها به برنامه ریزی و ایراد برخی دیگر به تخمینی و غیرقابل اطمینان بودن آنها از سوی دیگر ، صورت قانونی بخود نگرفته است .

بطور کلی می توان گفت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشاورزی از یک سیاست و خط مشی مدون برخوردار نبوده و برنامه ها به صورت مقطعی انجام پذیرفته است اما علی رغم این برخوردارمقطعی ، سهم بخش کشاورزی از سرمایه گذاری دولت از ۴/۵ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۷/۷ درصد در سال ۱۳۶۳ افزایش یافته و در سال ۱۳۶۴ در حدود همان سال ۱۳۶۳ باقی مانده است . که در اعتبارات بخش کشاورزی نیز افزایش نسبی بچشم می خورد اما سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی از ۸/۷ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۶۳ و بیش از ۱۴ درصد در سال ۱۳۶۴ رسیده است .

۳- نوع مالکیت و رابطه تولیدی نظام کشاورزی :

XX

از آنجا که نوع مالکیت می تواند تأثیراتی در میزان تولید داشته باشد . از این رو مروری اجمالی بر انواع مالکیت از گذشته تا حال ، ضروری بنظر می رسد .

تا قبل از سال ۱۳۴۱ در ایران ، مالکیت خصوصی بر زمین

عمده " به صورت ارباب و رعیتی بود و اشکال مختلف مالکیت از قبیل : املاک خالصه ، موقوفه ، سلطنتی ، بزرگ مالکی ، خرده مالکی و همچنین مالکیت‌های جمعی (مالکیت قبایل و عشایر) وجود داشت . در ایسن دوره محصول بین ارباب و رعیت معمولاً " براساس پنج عامل تولید (زمین ، آب ، کار و بذر و گاو) تقسیم می‌شد . با اجـرای اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ و پایان یافتن مراحل سه‌گانه آن در سال ۱۳۵۱ ، ۲۴ درصد از روستائیان صاحب زمین شدند^(۱) و با اینکه به حاکمیت ارباب و رعیتی تا حدودی پایان داده شد لکن توزیع زمین در میان خانوارهای زمین دار همچنان نامتعادل باقی ماند ، بطوری که براساس آمارگیری کشاورزی روستایی مرکز آمار ایران ، در سال ۱۳۵۴ ، تعداد کل خانوارهای بهره‌بردار از زمین را ۲۵۰۰ هزار خانوار تشکیل میداد که مساحت زمین در اختیار آنها معادل ۱۵۷۰۹ هزار هکتار بود . از این مقدار ، معادل ۳۲۰۲ هزار هکتار (۲۰/۴ درصد) زمین بیش از پنجاه هکتاری در اختیار ۲۵ هزار خانوار (یک درصد بهره‌بردارین) قرار داشت ، در مقابل بیش از یک میلیون خانوار بهره‌بردار (حدود ۴۵ درصد بهره‌بردارین) ، فقط ۷۶۳ هزار هکتار (حدود ۵ درصد) زمین در اختیار داشتند . یابسخن دیگر گروه بهره‌برداران بیش از پنجاه هکتار که یک درصد از کل خانوارهای بهره‌بردار را تشکیل می‌دادند بیش از چهار برابر گروه بهره‌برداران کمتر از دو هکتار ، زمین در اختیار داشتند که این بهره‌برداران ۴۵ درصد از کل خانوارهای بهره‌بردار را شامل

(۱) : بانک مرکزی ایران ، گزارش سالانه و ترازنامه ۱۳۵۱ (تهران :

بانک مرکزی ایران ، ۱۳۵۲) ، ص ص ۷۴ و ۷۷ .

می‌شدند (جدول شماره ۱).

در ضمن برابر آمارهای موجود علی‌رغم اجرای اصلاحات ارضی ، قدر مطلق وزن مخصوص بهره‌برداریهای بیش از پنجاه هکتار افزایش یافته است . این افزایش در سال ۱۳۵۴ نسبت به سال ۱۳۳۹ به حدود دو برابر رسیده است که علت این افزایش را می‌توان ، ایجاد بهره‌برداریهای تجاری جدید ، توسعه سرمایه‌داری ارضی ، تبدیلی زمینهای قابل عمران به قابل کشت و همچنین عدم شمول زمینهای برخی از مالکین - در جریان اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ از طریق تقسیم زمین میان خانواده خود نام برد . جدول شماره ۲ ، افزایش قدر مطلق و وزن مخصوص بهره‌برداریهای بیش از پنجاه هکتار را نشان می‌دهد . برابر آمارگیریهای کشاورزی از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۵۷ ، تغییرات محسوس در مساحت زمینهای قابل کشت و گروههای بهره‌بردار مشاهده نمی‌گردد .

با پیروزی انقلاب اسلامی اگرچه با اقداماتی از قبیل :
مصادره اراضی ، واگذاری زمینهای موات و بایر توسط " هیئتهای هفت نفره واگذاری زمین " ، اجرای آئینامه " شورای کشت موقت " - مصوب شورای عالی قضایی - و انحلال اکثر شرکتهای زراعی و تعاونیهای تولید و کشت صنعتیها ، در توزیع اراضی تغییراتی ایجاد گردید ، لکن اثرات نهایی این اقدامات بر توزیع بهره‌برداریها چندان تعیین کننده نبود و توزیع زمین در میان خانوارها همچنان نامتعادل باقی مانده است . بطوری که در سال ۱۳۶۱ بهره‌بردارانی که بیش از پنجاه هکتار زمین در اختیار داشتند (حدود ۶/۵ درصد از کل بهره‌برداران) معال ۱۷۲۴ هزار هکتار

(۱۳/۲ درصد) از زمینها را بخود اختصاص داده بودند. اما در مقابل بیش از یک میلیون خانوار (حدود ۴۸ درصد از کل بهره‌برداران) فقط ۸۵۹ هزار هکتار (حدود ۷ درصد) از زمینها را در اختیار داشتند.

از نظر حقوقی نیز، ۷۸ درصد از اراضی به بهره‌بردارانی که به‌تنهایی و یا با کمک اعضای خانواده‌شان زمین را اداره می‌کنند (اختصاصی) و بیش از یک درصد از آنها نیز به دولت تعلق دارد، در این میان حدود ۲ درصد از زمینها به صورت شرکتی (شرکتهای کشاورزی ، دامداری ، کشت و صنعت غیردولتی) و بقیه به صورت بهره‌برداری شریکی (توسط دو یا چند بهره‌بردار) اداره می‌شوند. (۱)

بطور کلی می‌توان گفت که در شرایط حاضر، اقتصاد کشاورزی ایران از نظر مالکیت بر اساس خرده مالکی و از نظر بهره‌برداری بر پایه تولید در واحدهای کوچک دهقانی استوار است. البته در کنار این مالکیت غالب مالکیت بهره‌برداری نسبتاً " بزرگ نیز وجود دارد.

با اینکه سهم سرمایه در بهره‌برداری‌های کوچک (۱ تا ۱۰ هکتاری) ناچیز است و صاحبان این بهره‌برداری‌ها غالباً فاقد عوامل و وسایل تولید می‌باشند، و در مقابل صاحبان بهره‌برداری‌های نسبتاً " بزرگ (۱۰ تا ۱۰۰ هکتاری) اکثراً دارای وسایل تولید بوده و از مدیریت نسبتاً " قوی نیز برخوردارند و محصولاتشان اغلب،

(۱): مرکز آمار ایران ، نتایج آمارگیری کشاورزی روستایی—۱۳۶۱ ، (تهران ، مرکز آمار ایران ، ۱۳۶۳) ، ص ۵۵.

بدون واسطه در بازار عرضه می‌گردد و در ضمن از زراعت‌های مکانیزه و نیمه‌مکانیزه هم بهره‌مند هستند با اینهمه سهم تولید بهره‌برداری‌های کوچک، درکل، بیش از بهره‌برداری‌های نسبتاً بزرگ بوده. بنحوی که در سال ۱۳۶۱، بطور میانگین به ترتیب حدود ۵۳ و ۲۹ درصد مهم کشاورزی را تولید کرده‌اند. - جدول شماره ۳، سهم هریک از واحدهای بهره‌برداری را در تولیدات کشاورزی نشان می‌دهد.

۴- اراضی قابل بهره‌برداری در بخش کشاورزی :
 xxx

برطبق برآورد وزارت کشاورزی، ۵۱ میلیون هکتار از خاک کشور (حدود ۳۳ درصد) را اراضی خوب و متوسط - از لحاظ کشاورزی - تشکیل می‌دهد که از این مقدار حدود $\frac{1}{3}$ آن (۱۶ میلیون هکتار) درگردونه تولید قرار گرفته است^(۱) که حدود ۱۰ درصد از کل مساحت کشور را شامل می‌گردد. بازدهی این اراضی به علت وجود مسائل مختلف، پایینتر از حد متعارف است. در ضمن از این ۵۱ میلیون هکتار اراضی تنها ۳۲ میلیون هکتار (حدود ۶۳ درصد) مساعد برای کشاورزی است که برطبق برآورد کارشناسان وزارت کشاورزی برای ۱۲ میلیون هکتار آن، آب کافی وجود ندارد^(۲) از

(۱): وزارت کشاورزی، نشریه زیتون شماره ۴۲، (تهران: وزارت کشاورزی، ۱۳۶۳)، ص ۱۳.

(۲): سازمان اموراداری و استخدامی کشور، شناخت ویژگیهای بخش کشاورزی و تعیین مبانی و اصول حاکم بر سازماندهی آن، (تهران: سازمان اموراداری و استخدامی کشور، ۱۳۶۵)، ص ۹۸.

اراضی باقیمانده (۲۰ میلیون هکتار از ۳۲ میلیون هکتار اراضی خوب) بطور متوسط سالانه ۱۵ میلیون هکتار آن زیر آیش و کشت می‌رود و از اراضی متوسط که حدود ۱۹ میلیون هکتار را تشکیل می‌دهند تنها حدود ۹۰۰ هزار هکتار تحت فعالیت‌های کشاورزی قرار می‌گیرد. در مجموع، سهم زمین‌های زیرکشت (آبی و دیم) به کل اراضی، حدود ۶/۴ درصد و مقدار درصد زمین‌های زیرکشت به کل زمین‌های موجود (بالفعل) حدود ۶۴/۴ درصد را شامل می‌گردد. در ضمن بیش از ۵۹ درصد از سطح زیرکشت زمین‌های آبی را زمین‌های خوب و حدود ۱۷ درصد از کشت آبی سالیانه را زمین‌های متوسط و حدود ۲۴ درصد از سطح زیرکشت را زمین‌های بد و نامناسبه خود اختصاص داده‌اند. (جدول شماره ۴)

از نظر مرتع، وسعت اراضی ایران در حدود ۹۰ میلیون هکتار است (حدود ۵۵ درصد از کل مساحت کشور را) از این مقدار، ۱۴ میلیون هکتار آن را مراتع خوب یا متوسط (باتولید ۲۹۰ کیلوگرم علوفه خشک در هکتار) و ۶۰ میلیون هکتار را مراتع متوسط تا فقیر (باتولید متوسط ۹۲ کیلوگرم علوفه خشک در هکتار) و ۱۶ میلیون هکتار باقیمانده را مراتع خیلی فقیر (باتولید متوسط ۲۶/۲۵ کیلوگرم علوفه خشک در هکتار) تشکیل می‌دهند. (جدول شماره ۵)

از نظر پوشش جنگلی نیز بیش از ۱/۸ میلیون هکتار از اراضی کل کشور را دربر گرفته است (بیش از ۱/۱ درصد از وسعت اراضی کشور) از این مقدار ۱/۴ میلیون هکتار را جنگل‌های تجارتي و حدود ۰/۴ میلیون هکتار را جنگل‌های غیرتجارتي تشکیل می‌دهند.

۵ - منابع آب قابل بهره‌برداری در بخش کشاورزی :
XX

برطبق برآورد کارشناسان ، کل حجم آب کشور اعم از آب حاصل از ریزش سالانه باران و آبهای ورودی به کشور بین ۴۰۰ تا ۴۶۰ میلیارد مترمکعب می‌باشد. از این مقدار ، بین ۱۰۵ تا ۱۲۰ میلیارد مترمکعب را ، آب قابل دسترسی کشاورزی ، صنعتی و شرب تشکیل می‌دهد. که در حال حاضر فقط ۵۹ میلیارد مترمکعب آب ، در عمل مورد بهره‌برداری برای مصارف ذکر شده قرار می‌گیرد. از ۵۹ میلیارد مترمکعب آب مورد بهره‌برداری ، حدود ۵۶/۵ میلیاردمترمکعب برای مصارف کشاورزی بکار می‌رود. از این مقدار هم حدود $\frac{2}{3}$ آن در داخل و خارج مزارع تلف می‌شود . بدین ترتیب به دلیل عدم دسترسی به آب ، از بخشهای وسیعی از خاک خوب کشور استفاده کشاورزی بعمل نمی‌آید ، در ضمن این عدم استحصال از آبهای قابل دسترسی و همچنین عدم استفاده منطقی و صحیح از آبهای استحصال شده و وضع جغرافیائی و آب‌وهوایی متفاوت مناطق کشور ، در مجموع از عوامل محدودکننده گسترش اراضی کشاورزی و به تبع آن افزایش تولید و استقرار جمعیت در نقاط روستایی ایران - به رغم وجود خاک مناسب برای کشت و زرع - می‌باشند . (جدول شماره ۶)